

بررسی تفاوت زن و مرد در اسلام و دلالت‌های آن در برنامه درسی نظام تربیت رسمی

hadikarimi58@gmail.com

ali_hosseini@rihu.ac.ir

mdavoudi@rihu.ac.ir

هادی کریمی عقدا / دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فرهنگیان یزد

سیدعلی حسینی زاده / دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

محمد داودی / دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۷

دریافت: ۹۶/۵/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر به منظور ارائه الگویی برای تهیه محتوای درسی مطلوب با توجه به نگاه اسلام به تفاوت میان زنان و مردان انجام شده است. از این رو، با نشان دادن کم‌توجهی نسبت به رویکرد اسلامی به تفاوت‌های زن و مرد در هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌های تربیتی نظام تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از روش «تحلیلی - توصیفی» تفاوت‌های تکوینی و تشریحی زنان و مردان در آموزه‌های اسلامی مشخص گردید. سپس با توجه به تفاوت‌های مذکور و در نظر داشتن حوزه‌های یادگیری مطرح در سند برنامه درسی ملی، در حوزه یادگیری حکمت و معارف اسلامی، محتوای درسی متفاوتی برای دوره ابتدایی دختران و دوره متوسطه اول پسران پیشنهاد شد. همچنین به منظور آمادگی دختران و پسران برای تشکیل خانواده منطبق با نظام معیار اسلامی، برای دوره دوم متوسطه، کتاب درسی مستقل برای پسران و دختران با عنوان «سبک زندگی اسلامی» پیشنهاد شد تا بر اساس محتوای آن، دختران و پسران با تفاوت‌های یکدیگر در ویژگی‌های تکوینی و همچنین نقش‌ها و وظایفی که نسبت به یکدیگر دارند، آشنا شوند.

کلیدواژه‌ها: اسلام، تفاوت زن و مرد، برنامه درسی، تربیت رسمی عمومی، تربیت اسلامی، جنسیت و تربیت.

مقدمه

آموزشی و تربیتی نظام آموزش و پرورش رسمی کشور جلب شد. امری که در نهایت، منجر به واگذاری بسیاری از مسئولیت‌های تربیتی خانواده‌ها به دولت شد و زمینه کم‌رنگ شدن جایگاه خانواده در امور تربیتی را به وجود آورد (وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۹). اما با وجود اعتماد مردم و واگذاری مسئولیت تربیت فرزندانشان به نظام رسمی آموزش و پرورش، نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در زمینه اسلامی‌سازی مبانی نظری الگوی وارداتی نظام آموزشی کشور، که بر پایه مبانی مدرنیته غربی بود، کاری صورت نداد (همان، ص ۱۹۶)؛ به گونه‌ای که در اهداف آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، که در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید، در ۵۶ نمونه از اهداف مطرح شده، هیچ جهت‌گیری جنسیتی لحاظ نشده بود و تنها در اهداف جزئی مقطع راهنمایی، تربیت «دختر عقیف» و «پسر شجاع» و توجه به نقش زن و مرد در خانواده و جامعه مورد تأکید قرار گرفت که از قضا، به سبب آنکه تقویت‌کننده فاصله جنسیتی بود، محل انتقاد واقع شد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۲۰۰). بدین‌روی، آموزش و پرورش کشور همچنان بر پایه پاسخ به نیازهای اقتصادی سرمایه‌داری و در خدمت توسعه ادامه فعالیت می‌داد؛ توسعه‌ای که هدف از آموزش مطلوب را فراهم آوردن شرایط توسعه به صورت برابر برای همه، فارغ از طبقه، نژاد و قومیت می‌داند و بر این باور است که اگر مدرسه و آموزش و پرورش، خود ارزش‌ها و نقش‌های متمایزی برای دختر و پسر به تصویر کشد و مانع دستیابی به فرصت‌های برابر شود، ضد توسعه تلقی می‌شود (ظهره‌وند، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱). براین اساس، زنانگی و مردانگی را در ردیف ویژگی‌های نژادی و قومیتی لحاظ کرد که باید از کنار آنها گذشت، و تأکید بر موقعیت متمایز دختران در قالب تقدیس نقش مادری و همسری و توجه به خانواده، و ترغیب مردان به احراز موقعیت‌های متفاوت به عنوان نان‌آور خانواده را نگرشی ضد توسعه می‌دانست (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۲۰۰).

در خصوص پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، پژوهش‌های حجازی (۱۳۸۵)، با حمایت مالی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در غالب طرح پژوهشی «بهسازی زن و خانواده در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و ارائه

قبل از شکل‌گیری دولت - ملت‌ها به شکل جدید، خانواده‌ها مسئولیت تربیت فرزندان را بر عهده داشتند. آنها با توجه به نگرش، اعتقادات و وضعیت مالی خود، برنامه‌های تربیتی و آموزشی مناسبی برای فرزندان خود انتخاب می‌کردند. اما از اواخر قرن هجدهم، به‌ویژه پس از روسو، بسیاری از نظریه‌پردازان غربی شیفته بازسازی جامعه از طریق مدارس شدند (گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷). در کشور ما نیز پس از ورود مدرنیته نهاد اجتماعی جدیدی در قالب تعلیم و تربیت رسمی مسئولیت طراحی، اجرا و نظارت بر برنامه‌های آموزشی و تربیتی کودکان و نوجوانان را بر عهده گرفت. در ابتدای امر، با هدایت متخصصان غربی، در چارچوب مبانی، هنجارها و ارزش‌های مدرن گسترش یافت؛ به گونه‌ای که الگوگیری تعلیم و تربیت رسمی کشور از نظام آموزشی کشورهای غربی همراه با مبانی و ارزش‌های حاکم بر آن جوامع صورت گرفت. بر همین اساس بود که در نظام آموزشی کشور، آموزش قرآن و شرعیات در مدارس ممنوع شد و در تیر ماه ۱۳۱۳، علی‌اصغر حکمت - وزیر وقت معارف - به دستور رضاخان برای مدارس، دستورالعمل‌هایی تهیه و تنظیم کرد که در نتیجه آن، از آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۳، برای شاگردان دختر مدارس پوشیدن چادر در مدرسه ممنوع شد و برای دختران پیشاهنگ، لباس مخصوصی توسط گیبسون آمریکایی - متخصص تربیت بدنی که مستخدم دولت ایران بود - تهیه گردید. در مهرماه ۱۳۱۴ دخترانی که به خارج سفر کرده و لباس اروپایی می‌پوشیدند، این مزیت را پیدا کردند که در صورتی که واجد شرایط علمی باشند، در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات و علوم پذیرفته شوند (صدیق، ۱۳۵۴، ص ۲۳۷). هرچند این روند تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت و همراهی حکومت رشد سریع به خود گرفت، ولی خانواده‌ها با توجه به اعتقادات مذهبی خود، به نظام آموزش و پرورش رسمی کشور بی‌اعتماد بودند و علاقه چندانی برای تحصیل فرزندان دختر خود در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور نداشتند، و در صورت امکان، فرزندان خود را در مدارس اسلامی، مانند «جامعه تعلیمات اسلامی» ثبت‌نام می‌کردند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تعلیم و تربیت رسمی عمومی با رویکرد اسلامی گسترش یافت و اعتماد خانواده‌ها به برنامه‌های

انسان و برابرند؛ اما این برابری، در تعبد و بندگی (ذاریات: ۵۶) و رسیدن به کمالات معنوی و انسانی است (نحل: ۹۷؛ احزاب: ۳۵)، نه برابری در احکام، وظایف و حقوق (نساء: ۳۲). البته تفاوت در حقوق و تکالیف زن و مرد، هرگز جایگاه انسانی زن را از مرد پایین‌تر نمی‌آورد و امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قایل نمی‌شود (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۱۵)، بلکه با جانب‌داری اصولی از علم‌آموزی، توسعه آموزشی و گسترش دانش‌افزایی در بین زنان، امکان رشد، کمال‌جویی و رسیدن به مقامات بلند معنوی و انسانی را همچون مردان برای آنها میسر می‌داند. در شریعت اسلامی، آنجا که خداوند دانایان را می‌ستاید و جاهلان را نکوهش می‌کند (زمر: ۹) و از تعلیم انسان به عنوان یکی از اهداف پیامبران یاد می‌کند (بقره: ۱۵۱) و یا دانش‌اندوزی را بر هر مسلمانی واجب می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۰)، به صورت عام سخن گفته و آن را مختص صنفی خاص نمی‌کند. اما خداوند بر اساس حکمت الهی و هدفمند بودن جهان، زنان و مردان را با برخی ویژگی‌های متفاوت آفریده که برخی از این نوع تفاوت‌ها مانند تفاوت در چهره و رنگ چشم فقط به منظور تنوع‌بخشی و امکان شناسایی افراد مطرح است. برخی دیگر همچون تفاوت در قدرت بدنی و ذوق هنری، هرچند کارایی خاصی در زندگی اجتماعی دارد، ولی در مسیر تحقق این کارایی، نیازمند وضع قانون خاصی از طرف خداوند نیستیم، و در نهایت، برخی تفاوت‌هاست که کارایی خاصی ایجاد می‌کند و خداوند بر اساس آن، حقوق، تکالیف، مسئولیت، امکانات و فرصت‌های تکامل یا تنزل متنوعی را در انسان قرار داده است در این قسمت به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. غلبه درک عقلانی بر احساسات تعقل

یکی از تفاوت‌های تکوینی میان زن و مرد، که در آموزه‌های دینی آمده و نظریات مختلفی درباره آن از سوی اندیشمندان دینی معاصر ارائه شده، تفاوت زن و مرد در بهره‌گیری از قوه تعقل در هنگام مواجهه با احساسات است.

برای استدلال در خصوص توانایی بیشتر مردان در اتخاذ تصمیم عقلانی هنگام مواجهه با شرایط و رویدادهای احساسی، بسیاری از مفسران به آیه ۳۴ سوره نساء، آیه ۱۸ سوره زخرف و آیه ۲۸۲ سوره بقره (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ص ۳۰۷؛ فخررازی،

الگوی مطلوب» انجام شده است. تحلیل محتوای کتاب‌های دوره ابتدایی در پنج محور، آنجا که محور خانواده را تحلیل می‌کند، وظایف خانگی زنان در چارچوب خانه‌داری و مادری را نقد می‌کند و از اینکه شغل زنان به مادر بودن و خانه‌داری پیوند خورده است، انتقاد می‌کند.

همچنین پژوهش هاشمی و شهرآرای (۱۳۸۷) با هدف بررسی باورها و ارزش‌های خانواده و کتاب‌های درسی در خصوص موضوع جنسیت و نقش آن در چگونگی بازنمایی و حل مسئله «تساوی جنسیت» از سوی دانش‌آموزان با ارائه رویکرد مبتنی بر تساوی جنسیتی، از مؤلفان کتاب‌های درسی می‌خواهد تا در برنامه درسی دانش‌آموزان، از آموزش و ارائه نقش‌های کلیشه‌ای و سنتی همچون خانه‌داری به دختران خودداری کنند، و با توجه به جایگاه مهم خانواده در انتقال رویکردهای مبتنی بر تساوی جنسیتی به فرزندان، آموزش‌های لازم به آنها ارائه شود.

از این رو شاهد آن هستیم که نه تنها مراکز پژوهشی وابسته به نظام تربیت رسمی عمومی برای آموزش و ایجاد انگیزه در دختران و پسران در جهت ایفای نقش‌های تشریحی مخصوص به هر گروه اقدامی انجام نداده، بلکه با توجه به تفاوت دختر و پسر در سن تکلیف و احکام مرتبط با آن، محتوای تربیتی مناسبی که در زمان مناسب به این مهم بپردازد، در نظر گرفته نشده است. بدین‌روی، در پژوهش حاضر، سعی شده است براساس نگاه اسلام به تفاوت‌های میان زنان و مردان و «سند برنامه درسی ملی»، محتوای تربیتی مناسبی برای نظام تربیت رسمی عمومی ارائه شود.

در این پژوهش، ابتدا با مراجعه به منابع اسلامی مانند قران و روایات معصومان علیهم‌السلام و توجه به نظر برخی از فقها، تفاوت‌های تکوینی و تشریحی میان زنان و مردان و همچنین تفاوت آنها در احکام شرعی بررسی شده و در نهایت، چارچوبی برای لحاظ این تفاوت‌ها در برنامه درسی نظام تربیت رسمی و عمومی کشور ارائه خواهد شد.

تفاوت‌های تکوینی زنان و مردان در آموزه‌های اسلامی

با بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قرن ششم میلادی، اسلام زنان را از نظر انسانیت، هم‌رتبه مردان دانست و شخصیت زنان را به قدری ارزش نهاد که گاهی اعتراض مردان را برمی‌انگیخت (حسینی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۳۹). از نگاه اسلام، زن و مرد هر دو مخلوق خداوند،

۱۹۹۳، ج ۴، ص ۱۲۴؛ مصباح، ۱۳۹۱، ص ۴۸-۴۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۴) اشاره کرده‌اند. در مجموع، می‌توان دو رویکرد درباره تفاوت زن و مرد در تصمیم‌گیری عقلانی در مواجهه با شرایط احساسی را پذیرفت:

یکی تفاوت میان زن مرد در این حوزه را می‌پذیرد و با تأکید بر قدرت احساسات و عواطف در زنان، که لازمه زندگی زناشویی و ایفای نقش مادری و همسری برای زنان می‌باشد، بر این باور است که زن و مرد به طور یکسان از عقل برخوردارند، اما احساسات قوی زنانه در بهره‌گیری از عقل، به‌مثابه مانع عمل می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸۷؛ طاهری‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸).

نظر دوم با تمایز قائل شدن میان سه مرتبه «عقل ایزاری»، «عقل نظری» و «عقل عملی»، بر این مطلب تأکید دارد که بر اساس طرح حکیمانه عالم تکوین، تفاوت عقلانی زن و مرد در سه مرتبه «عقل ایزاری»، «عقل نظری» و «عقل عملی» قابل تصور است (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۱۱، ص ۱۷۴-۱۸۴؛ جوادی آملی ۱۳۹۳، ص ۱۸۵).

۲. عاطفه

آموزه‌های اسلام به تفاوت عاطفی زن و مرد در چارچوب خانواده و روابط زناشویی و نیز روابط اجتماعی و خویشاوندی توجه داشته است. در خصوص نقش و جایگاه عاطفه بیشتر زنان در خانواده، قرآن کریم ضمن اشاره به همانندی زن و مرد در آفرینش، بر نقش آرامش‌بخشی زن برای همسر تأکید دارد (اعرف: ۱۸۹). در روایات نیز در موارد متعدد، بر این مهم تأکید شده است؛ به‌گونه‌ای که آرامش‌بخشی حوا برای حضرت آدم علیه السلام (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۱۴)، تأکید امام صادق علیه السلام به مردان در خصوص رفتار محبت‌آمیز با زنان (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۱)، و توجه ایشان بر نقش آرامش‌بخشی زنان (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۳۵۰) از این قبیل است. همچنین سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردان در خصوص ابراز محبت به همسرانشان و تأثیر آن در برطرف کردن نیاز روانی آنها (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹) و در نهایت، اشاره امیرمؤمنان علیه السلام به این موضوع را که همت مرد در تسخیر طبیعت و همت اصلی زن در تسخیر مرد است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۲)، می‌توان نمونه‌هایی از تأکید آموزه‌های دینی بر عاطفی بودن زنان ذکر کرد.

۳. حیا

با توجه به داستان آدم و حوا و تلاش آنها برای استفاده از پوشش برای اندامشان (قرآنی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۴)، همچنین ناراحتی حضرت مریم علیها السلام و آرزوی مرگ از لکه‌دار شدن عفتش نزد مردم (روم: ۲۳) و همچنین حرکت زن عزیز مصر در بستن درها و پوشاندن صورت بت‌ها، می‌توان فطری بودن این صفت را پذیرفت، در خصوص بیشتر بودن این صفت در زنان، در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است «... حیا نیکوست، اما از زنان نیکوتر» (دیلمی، ۱۳۴۹، ص ۱۹۴). امیرمؤمنان علیه السلام نیز در خصوص حیای زنان فرمودند: خداوند متعال نه برابر حیایی که به مردان داده است برای زن مقرر فرموده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۸) و بر بیشتر بودن حیا در زنان بر اساس تناسب میان شهوت و حیا اشاره دارد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۹).

۴. تبرج

یکی از ویژگی‌های تکوینی، که برای زنان مهم و ضروری تلقی شده، خصیصه «تبرج و خودنمایی» است که به صورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. قرآن در دو آیه از آیه‌های حجاب، از تبرج و خودنمایی زنان سخن گفته و آن را تنها در چارچوب محیط خانواده پذیرفته است. در یک جا، از زنان خواسته است که همانند دوران جاهلیت نخستین، در برابر نامحرم ظاهر نشوند و خودنمایی نکنند (احزاب: ۳۳)؛ در آیه دیگر به زنان سفارش می‌کند: در برابر نامحرمان با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند (نور: ۶۰). علاوه بر این، در روایات نیز درباره وجود غریزه خودنمایی یا تبرج در زن سخن گفته شده است. برای مثال، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: خداوند زنان را از سرشت مردان آفریده است. از این رو، تمام همت خود را در جذب مردان و نزدیک شدن به آنها صرف می‌کنند (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۶۴).

۵. بلوغ

در آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه در قرآن کریم، نشانه‌هایی همچون حُلُم (نور: ۵۹)، رسیدن به سن نکاح (نساء: ۶) و رشد عقلانی همراه با رسایی حالات جنسی و جسمی (نور: ۵۸) به عنوان علایمی از بلوغ ذکر شده است که میان دختر و پسر

مردان هستند و برای ارضای غریزه جنسی در رابطه جنسی با همسرانشان، به مقدماتی نیازمندند که مردان باید آن را تأمین کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۸). در روایات، ارتباط جنسی مرد با زن، پیش از ملاعبه با او جفا محسوب شده است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۱۱۹). البته با توجه به تحریک‌پذیری سریع‌تر میل جنسی در مردان، تأمین نیاز جنسی مرد را در هر فرصتی که دلخواه اوست، از وظایف زن به‌شمار آمده است (همان، ص ۱۵۸). علاوه بر آنچه به آن اشاره شد، زن و مرد در خصوص غریزه جنسی، تفاوت‌هایی در نوع آمیزش، عوامل تحریک، سبک اظهار علاقه، مواضع تحریک و تقاضای جنسی نیز با یکدیگر دارند (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۳۸۵-۳۹۲).

۶. تفاوت‌های تشریحی میان زنان و مردان در

آموزه‌های اسلامی

خداوند بر اساس ویژگی‌های تکوینی، که به زنان و مردان عطا کرده است، در ساختار اجتماعی و نظام نقش‌ها، انتظارات و تکالیفی را برای آنها طراحی کرده؛ انتظارات و تکالیف متفاوتی که آنها را بیشتر در قالب احکام الزامی و یا ترجیحی مطرح ساخته است. با توجه به اهمیت این‌گونه تفاوت‌ها در نظام اجتماعی و خانوادگی، در ادامه، به انتظارات و تکالیفی که خداوند از زنان و مردان دارد اشاره می‌کنیم:

الف) نقش‌های تشریحی زنان در آموزه‌های اسلامی

۱. نقش همسری

زنی که در ساختار خانواده به وظایف همسری خود آشنا باشد، و بر انجام وظایفی که خداوند در قالب نقش همسری بر عهده او قرار داده است کوشا باشد، می‌تواند ضمن توجه به نیازهای همسرش، خانه را محل آسایش، فضیلت و خوش‌بختی خود و همسرش قرار داده، زمینه حضور مؤثرتر همسرش را در جامعه فراهم کند. شاید بر همین اساس است که در متون و فرهنگ اسلامی، نقش همسری برای زن جایگاه ویژه‌ای دارد و در روایت‌های اسلامی، «حسن التبعّل» (خوب شوهرداری کردن) در حد جهاد در راه خدا، ارزشمند شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۷). زن در چارچوب نقش همسری خود، وظایفی همچون اطاعت از شوهر (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۷)، امانت‌داری از اموال شوهر (حرعاملی،

متفاوت است. علاوه بر این، با توجه به احادیث متواتر و شهرت فتوایی و ضعیف بودن روایات معارض با آن، بیشتر فقهای امامیه با تفاوت قایل شدن میان سن بلوغ دختران و پسران، تمام شدن پانزده سال قمری در پسران و نه سال قمری در دختران را از ملاک‌های بلوغ می‌دانند (گرامی، ۱۳۷۵، ص ۵)؛ امری که نه تنها با توجه به تفاوت‌های موجود میان دستورات و احکام شرعی مربوط به دختران و پسران، ضرورت پرداختن احکام مخصوص به غسل استحاضه، حیض و نفاس برای دختران و غسل جنابت برای پسران را همراه با خود، دارد بلکه احکام متفاوت دیگری برای زنان و مردان در عبادات مطرح می‌کند که در فتاوی فقها آمده است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۳).

۶. غیرت

«غیرت» عبارت است از: تنفر طبیعی انسان از مشارکت دیگران در چیزی که محبوب اوست (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۴۶). علمای اخلاق نیز «غیرت» را به معنای آن دانسته‌اند که انسان از اهل خود غافل نشود و در امری که عاقبت آن به فساد منجر می‌شود اهمال نکند و زنان خود را از دیدن مردان نامحرم حفظ کند (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۱).

در خصوص توجه به غیرت در مردان، روایات متعددی وجود دارد که یکی از مشهورترین آنها روایت امیرمؤمنان علیؓ در *نهج البلاغه* است که غیرت در زنان را نشانه کفر آنان و غیرت در مردان را نشانه ایمان مردان دانسته‌اند. (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۱۱۱). در روایات دیگری نیز به این مهم اشاره شده که خداوند غیرت را برای مردان مقرر کرده و برای زنان قرار نداده است (همان، ص ۱۰۸-۱۱۰). امام صادقؓ نیز «خوش‌رفتاری»، «گشاده‌دستی سنجیده» و «غیرت در حفظ خانواده» را از خصلت‌های لازم مردان برای اداره منزل و خانواده می‌دانند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۵۷۸).

۷. غریزه جنسی

در آموزه‌های اسلامی، به تفاوت‌های زن و مرد در غریزه و رفتارهای جنسی توجه شده است. مردان زمینه‌های مناسبی برای ارضای زودرس دارند، و زن‌ها دارای صبر جنسی بالاتری نسبت به

بزرگی دارد، پس خوشا به حال آنان که به خاطر اصلاح امور خانه و رضای خداوند، در خانه کار می‌کنند!

۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۱۵۸ و ۱۵۹) و زینت و آرایش کردن برای شوهر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۸) دارد.

۲. نقش مادری

ب) نقش‌های تشریحی مردان در آموزه‌های اسلامی

۱. سرپرستی مردان در امور خانواده

در خصوص بررسی نگاه اسلام به نقش سرپرستی و مدیریت مرد در قبال خانواده و همسرش، آیه ۳۴ سوره «نساء» مورد توجه قرار گرفته است. علامه طباطبائی در تفسیر آیه مذکور، قوامیت مردان را به علت برتری‌هایی می‌داند که خداوند در مقایسه با زنان به مردان داده است و همچنین به سبب آنکه مردان از مال خود به زنان نفقه می‌دهند. ایشان بر این امر تأکید دارد که به سبب عمومیت، علت حکمی که مبتنی بر آن است (قیم بودن مردان بر زنان) نیز عمومیت دارد و منحصر به شوهران در برابر همسران نیست، و چنان نیست که مردان تنها بر همسران خود قوامیت داشته باشند، بلکه حکمی برای نوع مردان بر نوع زنان جعل شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۴۳). البته غیر از علامه، برخی مفسران و اندیشمندان مسلمان دیگر (مانند طوسی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۵۱، ج ۵، ص ۱۳۵) و بسیاری از فقها و مفسران اهل سنت نیز با این نظر همراه‌اند (مروی، ۱۳۸۶، ص ۳۲).

گروه دیگری از مفسران و فقها بر این باورند که آیه مذکور ریاست خانواده را به مردان سپرده، اما محدوده این ریاست تنها امور زناشویی و زندگی خانوادگی را دربر دارد و مردان تسلط دیگری بر زنان ندارند. به عبارت دیگر، این سلطه درباره شوهران بر زنان، آن هم در قلمرو زندگی خانوادگی است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۳۹۱؛ همو، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۴۵؛ جعفری، ۱۳۷۶، ص ۲۷۴). این گروه بر این باورند که در این آیه، واژه «رجال» به معنای شوهران، و واژه «نساء»، به معنای همسران است. بنابراین، مفاد آیه این می‌شود که شوهران تنها بر زنان خود حق سرپرستی دارند، و این سلطه نیز فقط در محدوده رابطه خانوادگی است و مقصود برتری همه مردان بر همه زنان نیست.

با توجه به آنچه در خصوص سرپرستی مرد در قرآن و احادیث آمد، می‌توان بر این مهم تأکید داشت که با توجه به مؤثر دانستن ویژگی‌های جسمی، ادراکی و عاطفی مردان بر زنان در دو رویکرد مذکور، ویژگی سرپرستی برای مردان امری قابل قبول است. اما

در خصوص نقش مادری زن در خانواده، قرآن کریم نهاد خانواده را کانونی برای تربیت و رشد توانایی‌های بالقوه فرزندان می‌شناسد و برای سامان‌دهی ثمربخش وظیفه فرزندپروری، نقش و کارکرد هریک از والدین، به‌ویژه مادر، را تعیین می‌کند (بقره: ۲۳۳). علاوه بر قرآن کریم، پیامبر اکرم و امامان معصوم^{علیهم‌السلام} تیر به وظایف و نقش مادری توجه کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} زن باردار را همانند روزه‌دار شب زنده‌دار و مجاهدی می‌داند که با جان و مالش در راه خدا جهاد می‌کند (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۹۶). البته غیر از آنچه در خصوص توجه به نقش مادری در زمینه مراقبت و پرورش بعد جسمانی کودک ذکر شد، نقش مادر در تربیت ابعاد اجتماعی، اخلاقی و معنوی کودک نیز بسیار مهم است؛ چنان که قبل از آنکه قرآن کریم به ستایش حضرت مریم^{علیها‌السلام} بپردازد (آل عمران: ۴۲)، ویژگی‌های مادر ایشان را بازگو می‌کند (آل عمران: ۳۵).

۳. خانه‌داری

پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در خصوص تعیین وظایف حضرت علی^{علیه‌السلام} و حضرت فاطمه^{علیها‌السلام} حضرت زهرا^{علیها‌السلام} را به خدمت در منزل و حضرت علی^{علیه‌السلام} به انجام وظایف خارج منزل موظف کردند و حضرت فاطمه^{علیها‌السلام} از اینکه ایشان مأمور انجام مسئولیت‌های خانه‌داری شدند و از تصدی امور بیرون منزل معاف شدند، بسیار خوشحال گردیدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۸۱) آن حضرت در سخن به این موضوع اشاره کردند که برای زن، نزدیک‌ترین حالت به خدا، هنگامی است که در خانه باشد (همان، ص ۹۲). پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در پاسخ به م/السلامه در خصوص سؤالی درباره پاداش خدمت زنان به شوهرانشان در منزل بر این مهم تأکید کردند که اگر زنی به قصد اصلاح امور خانه، در خانه شوهرش چیزی را از جایی بردارد و جای دیگری بگذارد، خداوند به او نظر می‌کند، و کسی که خدا به او نظر کند عذاب نمی‌شود. (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۱۱). این موضوع اشاره دارد به اینکه وقتی یک جابه‌جایی کوچک در خانه چنین پاداش

آمد، تغییر و تحول در محتوای تربیتی امری ضروری می‌نماید. از این رو، در ادامه با توجه به جایگاه «سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» در نقشه یادگیری نظام آموزشی کشور و نقش آن در ایجاد تحول همه‌جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی، به منظور دستیابی متریبان به فرصت‌های تربیتی متنوع، جامع و منطبق بر نظام معیار اسلامی و حیات طیبه (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۱، ص ۳-۴)، پیشنهادهایی به منظور اصلاح محتوای آموزشی برای نظام تربیت رسمی کشور با در نظر گرفتن حوزه‌های تربیت و یادگیری مطرح در «سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» ارائه می‌شود:

یکم. حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی

توجه به این حوزه در قالب سه بخش اعتقادات، اخلاق و احکام، به منظور فراهم آوردن شرایط و بستر مناسب برای ارائه میزانی از آگاهی درباره اسلام به دانش‌آموزان مسلمان است تا آنها بتوانند زندگی فردی و اجتماعی خود را بر محور بندگی خداوند سامان داده، با مقاومت در برابر آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، جامعه خود را به سمت آرمان‌های اسلامی سوق دهند (همان، ص ۲۰). از این رو، در ادامه، محتوای مناسب برای بخش مذکور را به صورت مجزا بررسی می‌کنیم:

الف) اعتقادات

هرچند در نگاه اول، توجه به تفاوت‌های تکوینی و تشریحی میان زن و مرد در پرداختن به مؤلفه‌هایی همچون توحید، معاد، عدل، نبوت، امامت و ولایت فقیه چندان ضروری به نظر نمی‌رسد، اما به سبب آنکه تفاوت میان زنان و مردان برای افراد جامعه عینی و ملموس است، می‌توانیم با پرداختن به حکمت این تفاوت‌ها، دانش‌آموزان را با حکیمانه و عادلانه بودن نظام خلقت بهتر آگاه کنیم. علاوه بر این، با توجه به تفاوت‌های میان دختران و پسران در دو بعد «عاطفه» و «تعقل»، می‌توان در جهت تقویت اعتقادات در دختران، بیشتر از محتوا و روش‌هایی استفاده کرد که بر پایه احساسات و عواطف است، و برای پسران از محتواهایی که از لحاظ استدلال قوی‌تر است.

نکته مهم این است که چه بر اساس رویکرد اول مردان را سرپرست بر زنان بدانیم و یا آنکه مطابق رویکرد دوم، سرپرستی مرد را تنها در حوزه خانواده بپذیریم، وظایف سنگینی همچون پرداخت مهریه (نساء: ۲۴ و ۲۵)، پرداخت نفقه (نساء: ۳۴؛ طلاق: ۷۶) و مسئولیت تربیت خانواده (تحریم: ۶) بر عهده مردان است.

۲. مسئولیت‌های اجتماعی

قبل از ورود به مبحث، لازم به ذکر است که در اسلام، اختصاص پست‌ها و موقعیت‌های گوناگونی که بر عهده فرد مسلمان گذاشته می‌شود، به عنوان فرصتی برای به دست آوردن امکانات مالی و قرار گرفتن در طبقات بالای اجتماعی نیست، بلکه بنا به فرمایش امام علی^ع، این منصب‌ها یک تکلیف و امانت سنگین است که مسئولیت افراد را بیشتر می‌کند و صرف‌نظر از برقراری عدالت و فراهم کردن زمینه حق و هدایت، ارزشی ندارد (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۵۳). اما در خصوص مسئولیت اجتماعی و سیاسی برای زنان، مانند حاکم و قاضی بودن و جهاد، نظر مشهور، بلکه اتفاق علما جایز نبودن تصدی حکومت و قضاوت به دست زنان است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۴۰، ص ۱۴). امام خمینی^ع نیز در این زمینه، بر شرط «مرد بودن» تأکید می‌کنند (موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۴۹).

ارائه برنامه درسی متناسب با نگاه اسلام به تفاوت زنان و مردان

آنچه در خصوص وضعیت موجود کتاب‌های درسی مطرح است توجه به این مطلب است که در برنامه درسی کنونی موجود در مدارس، بجز چند درس از کتاب کار و فناوری و تفکر و سبک زندگی دوره اول متوسطه، در سایر کتاب‌های درسی مدارس، در تمام مقاطع تحصیلی تفاوتی میان کتاب‌های درسی دختران و پسران وجود ندارد. البته آنچه در خصوص دو کتاب مذکور وجود دارد جریانی است که همزمان با تغییر ساختار آموزشی کشور اتفاق افتاده است؛ به گونه‌ای که در ساختار قبلی، که دوران تحصیلی به سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تقسیم می‌شد، کتابی با عنوان تفکر و سبک زندگی وجود نداشت. با روشن شدن وضعیت محتوای کتاب‌های درسی و توجه به آنچه در خصوص تفاوت‌های تکوینی و تشریحی میان زن و مرد و میانی و اهداف مرتبط با آن

ب) اخلاق

هرچند برای نظام تربیت رسمی، پرداختن به تربیت اخلاقی متریبان یک ضرورت است و در بسیاری از صفات اخلاقی تفاوتی میان زنان و مردان وجود ندارد، ولی در برخی رفتارها، همچون تکبر، ترس و بخل، برخلاف آنکه وجود آنها در مردان زشت شمرده شده، ولی با توجه به این مهم که تقویت این صفات در زنان زمینه‌ساز حفظ زنان از نامحرم، آبروی آنها و حفظ دارایی و ثروت همسران می‌شود، برایشان زیبا شمرده شده است (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۴۸۵). از این رو، شایسته است که به این مهم در فعالیت‌ها و محتوای تربیتی توجه شود.

البته لازم به ذکر است که صفاتی مانند «الزَّهْوُ» (تکبر)، «الْجُبْنُ» (ترسو بودن) و «الْبُخْلُ» (بخیل و ممسک بودن) - که به آنها اشاره شد - هرگاه به عنوان «خُلُق» به کار رود صفاتی بسیار بد به‌شمار می‌رود و در زشتی آن برای مرد و زن تفاوتی نیست. اما همان‌گونه که اشاره شد، ویژگی‌های مذکور در روایت فوق، به عنوان رفتار مطمح‌نظر است؛ رفتاری که بر اساس موقعیت و شرایطی خاصی که بروز می‌کند، بررسی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که توصیه می‌شود زن در موقعیتی که در مقابل نامحرم قرار می‌گیرد رفتار متکبرانه داشته باشد، نه در مقابل پدر و مادرش و یا همسر و فرزندان. البته واژه «زَهْو»، که در روایت آمده، با معنای رفتار متکبرانه کمی تفاوت دارد و به معنای «رفتار بزرگ‌منشانه» است. در خصوص «جبن» نیز منظور انجام رفتار در شرایطی است که زن در مقابل نامحرم قرار می‌گیرد و احتمال به خطر افتادن عفت و پاکدامنی او در میان باشد و در نهایت، در زمینه «بخل» نیز در اینجا، بخل به معنای آن صفت نفسانی نیست که خُلُق است، بلکه به معنای رفتار ممسکانه است که انتظار می‌رود زن در قبال دارایی شوهرش داشته باشد، نه دارایی و اموال خودش (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۶۱۸-۶۳۰).

ج) احکام

رفتار ما در برابر خداوند شیوه خاصی دارد که قوانین و مقررات مربوط به آن از طرف خداوند، که خالق انسان است و بهترین برنامه را برای مخلوق خود در نظر گرفته، ارائه شده، و بر ما لازم است برای رسیدن به سعادت و کمال، این دستورات را خوب بشناسیم و به آنها عمل کنیم. از این رو، یکی از اهداف مهم تربیت

اسلامی آموزش این احکام است که با توجه به آنچه در خصوص تفاوت احکام مرتبط با زنان و مردان آمد، ضروری است تا نظام تربیتی به صورت مجزا به آن بپردازد.

بر اساس متن «سند برنامه درسی ملی» پرداختن به احکام در حدی قابل انتظار است که هر فرد مکلف به طور معمول در زندگی فردی و اجتماعی خود به آن نیاز دارد و در صورت عدم اطلاع قبلی از آنها در انجام وظایف شرعی خود دچار مشکل می‌شود (همان، ص ۲۲). با توجه به تفاوت سن تکلیف شرعی بین دختران و پسران و همچنین برخی احکام مرتبط با آن، همچون احکام غسل استحاضه، حیض، نفاس و احکام مربوط به پوشش اسلامی و ارتباط با نامحرم برای دختران و غسل جنابت و احکام مربوط به ارتباط با نامحرم برای پسران، شایسته است نظام آموزشی کشور محتوای جداگانه‌ای را برای دختران در سال‌های تحصیلی اواخر دوره ابتدایی و برای پسران در سال‌های تحصیلی اوایل دوره متوسطه در نظر بگیرد. توجه به برخی احکام اسلامی مخصوص مردان همچون پرداخت مهریه و نفقه به زنان و تفاوت احکام مرتبط با دیه و قصاص، پوشش و حضور زنان در برخی مسئولیت‌های اجتماعی، همچون قضاوت و برخی پست‌های اجرایی نیز بهتر است در سال‌های پایانی دوره متوسطه و با تهیه محتوایی مناسب همراه با مشخص ساختن حکمت این‌گونه احکام مشخص شود. البته نکته کلیدی در این بخش، آن است که با توجه به ضرورت آشنایی دانش‌آموزان مؤمن با فلسفه و آثار و فواید احکام (داودی، ۱۳۹۰، ص ۶۸)، تهیه محتوای مناسبی که با توجه به توانایی دانش‌آموزان دختر در سن ۹ سالگی بتواند به این مهم بپردازد ضروری است.

دوم. حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی

توجه به آشنایی با روش‌های درست انجام فعالیت‌های جسمانی، برنامه‌های تفریحی سالم، ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن به منظور برقراری سلامت کامل جسمانی و روانی دانش‌آموزان به عنوان امانت الهی از اهداف مهم این حوزه محسوب می‌شود (وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، ص ۲۸). از این رو، شایسته است تا در برنامه‌ریزی برای محتوای این حوزه، به تفاوت‌های جسمانی دانش‌آموزان دختر و پسر توجه شود و با فراهم آوردن زمینه ورود دانش‌آموزان دختر به رشته‌های ورزشی

خصوص معیارهای انتخاب همسر مناسب از نظر اسلام فراهم شود. در ادامه، محتوای مناسبی برای آشنا شدن هرچه بیشتر دختران با نقش‌های مهمی همچون همسری، مادری و خانه‌داری و محتوای مناسبی برای آشنایی پسران با نقش‌هایی همچون همسری، پدری و سرپرستی خانواده فراهم شود.

نکته قابل تأمل این است که برای تحقق اهداف مذکور، از انتخاب همسر و تشکیل خانواده تا ایفای نقش‌های مرتبط با آن، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید بدان توجه شود تهیه محتوایی است که بر اساس آن، دختران و پسران با ویژگی‌های رفتاری و عاطفی یکدیگر آشنا شوند. البته در انتخاب محتوای مناسب، برای برخی از این موضوعات، همچون آشنایی با ویژگی‌های رفتارهای جنسی یکدیگر، توجه به الزامات مذهبی و فرهنگی خانواده‌ها و تناسب محتوا با سن و مقطع تحصیلی دانش‌آموزان ضروری است. ولی به نظر می‌رسد به علت گسترش فضای مجازی و اطلاعات مختلف و غلطی که از این طریق به دختران و پسران داده می‌شود، عقب انداختن آموزش این موضوعات تا سال‌های بعد نیز راهکار مناسبی نیست.

پنجم. توجه به رویکرد تلفیقی در سایر حوزه‌ها

علاوه بر آنچه در خصوص حوزه‌های تربیت و یادگیری ذکر شد، «سند برنامه درسی ملی» حوزه‌های دیگر تربیت و یادگیری، شامل حوزه «تربیت و یادگیری قرآن و زبان عربی»، «زبان و ادبیات فارسی»، «فرهنگ و هنر»، «یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی»، «علوم تجربی» و «زبان‌های خارجی» را نیز دربر دارد که انتخاب محتوای مناسب برای این حوزه‌ها می‌تواند نقش مکمل برای تحقق اهداف موردنظر دربر داشته باشد. برای مثال، ما می‌توانیم در حوزه «تربیت و یادگیری قرآن و زبان عربی» از آیات و روایاتی که به موضوعات خانواده می‌پردازد، استفاده کنیم. در بخش «زبان و ادبیات فارسی» از متون زیبا و اشعاری که درباره اهمیت نقش‌های خانوادگی زن و مرد در خانواده سروده شده است، استفاده شود. در حوزه مربوط به «فرهنگ و هنر» و همچنین «علوم انسانی و مطالعات اجتماعی»، ضمن آشنا کردن دانش‌آموزان با نقدهای مربوط به نگاه مدرنیته نسبت به خانواده و تعاملات اجتماعی زن و مرد، الگوهای مناسب اسلامی در این خصوص ارائه شود.

مناسب و ارائه آموزش‌های لازم به آنها از حضورشان در ورزش‌های رزمی، فوتبال و کشتی کاسته شود.

سوم. حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری

درباره این حوزه، که به زندگی سالم در فضای مجازی و همچنین به ایجاد آمادگی برای دختران و پسران برای ورود به مشاغل گوناگون در بخش‌های اقتصادی و زندگی اجتماعی می‌پردازد (همان، ص ۲۹)، در خصوص حوزه فناوری به علت فرصت بیشتر زن‌ها برای ورود به فضای مجازی و خطراتی که این حضور ممکن است برای آنها داشته باشد، توجه به رعایت نکات اخلاقی نظیر حجاب و عفاف در فضای مجازی از موضوعات مهمی است که لازم است محتوای مناسبی برای آن ارائه شود. از سوی دیگر، با توجه به در نظر داشتن نقش‌های تشریحی زنان در حوزه خانواده، شایسته است که نظام تربیت رسمی کشور از طریق احیای رشته «مدیریت امور خانواده» در هنرستان‌های دخترانه، با محتوای جدید و جذاب، و گسترش رشته‌هایی همچون خیاطی، آرایشگری و صنایع دستی در هنرستان‌های دخترانه، زمینه ورود آنها به مشاغل مناسب را فراهم کند. همچنین ضمن آشنا ساختن پسران با مسؤلیت‌های آنها در قبال خانواده با توجه به توانایی‌ها و علاقه‌مندی آنها، مقدمات اشتغال آنها در مشاغل گوناگون را فراهم کند.

چهارم. حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده

با توجه به گستردگی و اهمیت قلمرو این حوزه در «سند برنامه درسی ملی»، تفکیک آن به دو حوزه «آداب و مهارت‌های زندگی» و حوزه «تقویت بنیان خانواده» امری ضروری به نظر می‌رسد. با وجود این، بخشی از قلمرو این حوزه شامل آداب معاشرت، آداب معیشت، وظایف و مسؤلیت‌های خانوادگی، آمادگی برای تشکیل خانواده و ایفای نقش والدینی است که با قسمت‌های زیادی از مبانی و اهداف مطرح شده در پژوهش حاضر ارتباط دارد. از این رو، شایسته است تا محتوایی مناسب در این حوزه تهیه و تنظیم شود. برای تحقق این امر، لازم است ابتدا به منظور فراهم آوردن شرایط مناسب در جهت تشکیل زندگی سالم و پایدار، ضمن تأکید بر ارزش ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام، محتوای مناسبی در

نتیجه‌گیری

با توجه به نگاه اسلام به تفاوت‌های تکوینی و تشریحی میان زن و مرد، به نظام آموزش و پرورش کشور پیشنهاد می‌شود هدایت دختران و پسران به رشته‌ها و مشاغل، متناسب با ویژگی‌های تکوینی و تشریحی آنان باشد. در حوزه «سلامت و تربیت بدنی» انتخاب رشته ورزشی و آموزش‌های مرتبط با آن با توانایی‌های دانش‌آموزان دختر و نگاه اسلام به موضوع حجاب و عفاف متناسب باشد. در جهت اصلاح محتوای کتاب‌های درسی، محتوای آموزشی مناسبی با توجه به شرایط بلوغ و احکام مربوط به آن، برای دختران در کتاب «هدیه‌های آسمان» دوره ابتدایی و برای پسران برای کتاب «دین و زندگی» دوره اول متوسطه تهیه شود. به منظور آشنایی دختران و پسران با ویژگی‌های خانواده مطلوب و منطبق با نظام معیار اسلامی، برای دوره متوسطه دوم، کتابی با عنوان «سبک زندگی اسلامی» تألیف شود تا بر اساس آن، نه تنها دختران و پسران به صورت مجزا با ویژگی‌های تکوینی و نقش‌های تشریحی که بر عهده آنهاست آشنا شوند، بلکه با ویژگی‌های تکوینی و وظایف یکدیگر نیز آشنا شوند و با اطلاعات بیشتر، آمادگی لازم برای تشکیل خانواده را به دست آورند.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۷۱، *التبیان فی تفسیر قرآن*، قم، جامعه مدرسین.

ظهره‌وند، راضیه، ۱۳۸۵، «تحقق آموزش و پرورش حساس به جنسیت در برنامه‌ریزی آموزشی دوره عمومی»، *تعلیم و تربیت*، ش ۸۷، ص ۱۴۷-۱۷۴.

فخررازی، محمدبن عمر، ۱۹۹۳، *مفاتیح‌الغیب*، بیروت، دارالفکر.

فیض کاشانی، محسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر صافی*، تهران، مکتبه الصدر.

قزائنی، محسن، ۱۳۸۹، *تفسیر نور*، تهران، مرکز نشر درس‌هایی از قرآن.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گاردنر، ویلیام، ۱۳۸۶، *جنگ علیه خانواده*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

گرامی، محمدعلی، ۱۳۷۵، «پژوهشی پیرامون بلوغ دختران»، *کیهان اندیشه*، ش ۶۶ ص ۳-۱۰.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مروی، محمدعلی، ۱۳۸۶، «سرپرستی خانواده با نگاه به آیه ۳۴ سوره نساء»، *معرفت*، ش ۱۲۲، ص ۱۷-۳۴.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹، *نظام حقوق زن در اسلام*، چ چهاردهم، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۹۵، *مجموعه آثار*، چ دوازدهم، تهران، صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۸، *تحریرالوسیله*، ترجمه علی اسلامی و محمد قاضی‌زاده، چ بیست و پنجم، قم، جامعه مدرسین.

نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۵، *جواهرالکلام*، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نراقی، مهدی، ۱۳۷۸، *معراج السعاده*، چ ششم، قم، هجرت.

نوری، محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل والمستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت.

وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، *مبانی نظری سند تحول بیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*.

وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۱، *سند برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران*.

هاشمی، سهیلا و مهرناز شهرآری، ۱۳۸۷، «بررسی باورها و ارزش‌های دانش‌آموزان، خانواده و کتاب‌های درسی درباره تساوی جنسیت».

مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ش ۱۷، ص ۲۷-۴۶.

منابع.....

نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ترجمه محمد دشتی، چ چهارم، قم، غرقة‌الاسلام.

ابن شعبه حرانی، حسن‌بن علی، ۱۳۸۲، *تحفة العقول*، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم، آل‌علی.

پناهی، علی‌احمد، ۱۳۹۳، *سبک زندگی همسرمداری از منظر دین با رویکردی روان‌شناختی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۶، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر موضوعی قرآن*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۹۳، *زن در آینه جلال و جمال*، چ بیست و پنجم، قم، اسراء.

حجازی، الهه، ۱۳۸۵، «اصلاح سیمای زن در کتاب‌های دوره ابتدایی؛ راهی به سمت دستیابی به فرصت‌های برابر»، *تعلیم و تربیت*، ش ۸۷، ص ۱۲۱-۱۴۶.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ق، *وسایل‌الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

حسینی‌زاده، سیدعلی، ۱۳۹۳، *جنسیت و تربیت از منظر اسلام و فمینیسم لیبرال*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

داوودی، محمد، ۱۳۹۰، *نقش معلم در تربیت دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

دیلمی، حسن‌بن محمد، ۱۳۴۹، *ارشادالقلوب*، تهران، بوزرجمهری.

زیبایی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۹۳، *تحلیلی بر مهم‌ترین مسائل زن و خانواده در ایران؛ بیانیه‌های علمی مرکز تحقیقات و مطالعات زنان و خانواده از سال ۱۳۸۱ تا ۹۲*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران.

صداقی، عیسی، ۱۳۵۴، *تاریخ فرهنگ ایران*، چ ششم، تهران، زیبا.

صندوق، محمدبن علی، ۱۳۷۶، *امالی*، ترجمه محمدباقر کمرهای، تهران، کتابچی.

_____، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.

طاهری‌نیا، احمد و همکاران، ۱۳۸۸، *زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی، جستاری در هستی‌شناسی زن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۵۱، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه احمد بهشتی و دیگران، تهران، فراهانی.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع‌البحرین*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.

